

اشتباه شما همین جاست!

استاد دکتر حسابی افزون بر توجهی که به مطالب درسی و مسائل نظری داشتند و نگارش چهار کتاب درسی برای شاخه‌های مختلف اپتیک و تهیه جزوه‌های مفصلی راجع به الکترو دینامیک و اپتیک کوانتومی برای دروس فوق لیسانس از جمله آن‌هاست در مورد دروس عملی و آزمایشگاه‌های مختلف علاقه خاصی داشتند و نسبت به بهبود آزمایش‌ها و ایجاد آزمایش‌های جدید بسیار حساس بودند. در آن زمان نمره درس اپتیک و نگره کاهربایی و قطبش نور شامل درس نظری با ضریب ۲ و نمره آزمایشگاه با ضریب ۱ بود. بسیار پیش آمده بود که مثلاً دانشجویی در درس نمره ۶ و در آزمایشگاه آن درس نمره ۱۸ گرفته بود و به این ترتیب با معدل ۱۰ قبول می‌شد. استاد دکتر حسابی هیچ وقت و هرگز نمی‌فرمودند که مثلاً این دانشجوی ضعیفی است و شاید با ارفاق هم نمره ۶ گرفته است، بدون هیچ تردید و تأملی نمره ۱۰ را در لیست امتحانی وارد می‌کردند. و این از طرفی مبین این بود که به نمره‌ای که مربی در آزمایشگاه داده بود اطمینان داشتند و از طرفی به اهمیتی مربوط می‌شد که ایشان برای آزمایشگاه قائل بودند.

و اما، روزی ایشان پس از اتمام کار آزمایشگاه اپتیک موجی به آزمایشگاه آمدند و فرمودند وسایل مربوط به آزمایش تداخل توسط دومنشوری کجاست، می‌خواهم بینم در چه فاصله‌هایی فریزهای واضح‌تری ایجاد می‌شوند. چراغ سدیم را روشن کردند و فرمول مربوط به دومنشوری را نوشتند و فرمودند که با داشتن فاصله شکاف از دومنشوری باید فاصله دومنشوری از چشمی فرنل مثلاً این قدر باشد ولی هر چه جلو عقب می‌برند فریزی تشکیل نمی‌شد. در این موقع تلفن اتاق ایشان زنگ زد و ایشان برای جواب دادن به تلفن، به اتاق خود که مجاور آزمایشگاه بود رفتند. پس از چند دقیقه که تشریف آوردند ملاحظه کردند که فریزها کاملاً واضح دیده می‌شوند. فرمودند عجیب است چه کار کردید؟ عرض کردم

جناب استاد کاری نکردم فقط شکاف جلوی چراغ را چند درجه در صفحه خود چرخاندم تا شکاف موازی فصل مشترک دومنشوری شود. فرمودند: تجربه عملی در یک کار نتیجه‌اش همین است. سپس ایشان فرمودند که آزمایشگاه شما حتی وقتی چراغ‌ها را خاموش می‌کنید برای بعضی از آزمایش‌ها مناسب نیست و بهتر است در خواست خریدی بنویسید تا برای پنجره‌های رو به حیاط پارچه سیاه تهیه شود. فردای آن رو به آقای یزدان که جزو خدمه آزمایشگاه بود گفتم آقای یزدان متر را بردار و برو بالای میز پنجره‌ها را متر کن. ایشان یک پنجره را متر کردند که معلوم شد به ۹ متر و ۹۰ سانتی‌متر پارچه سیاه نیاز دارد و چون دو پنجره بود می‌شد ۱۹ متر و ۸۰ سانتی‌متر و در برگ درخواست خرید نوشتم که برای تاریک کردن آزمایشگاه اپتیک ۲۰ متر پارچه سیاه تهیه کنند. چند روز بعد که باز استاد دکتر حسابی به آزمایشگاه تشریف آوردند فرمودند مگر درخواست پارچه سیاه نکردید. عرض کردم که چرا برگ درخواست را به کار پردازی برای خرید داده‌ام و می‌گویند به زودی تهیه می‌کنند. دوباره چند روز بعد که ایشان به آزمایشگاه آمدند فرمودند هنوز این پارچه‌ها را تهیه نکرده‌اند؟ عرض کردم می‌گویند به زودی می‌خریم. فرمودند که در درخواست خرید چه نوشته‌اید. عرض کردم نوشته‌ام ۲۰ متر پارچه سیاه مورد نیاز است. فرمودند: معلوم است، اشتباه شما همین جاست! عرض کردم استاد چه اشتباهی؟! فرمودند فردا بروید درخواست قبلی را بگیرید و در یک درخواست جدید بنویسید آزمایشگاه اپتیک به یک توپ پارچه سیاه نیاز دارد! همین کار را کردم دو سه روز بعد دیدم یک توپ پارچه سیاه پشت در آزمایشگاه اپتیک است! در نتیجه آن دو پنجره را پارچه سیاه زدیم و به مسئولین آزمایشگاه‌های دیگر هم می‌گفتم اگر به پارچه سیاه نیاز دارید ما داریم. تعدادی به این ترتیب مصرف شد و بقیه نیز به عنوان پارچه گردگیری سال‌ها مورد استفاده قرار گرفت.